

## معرفی نامهٔ یعقوب

نامهٔ یعقوب مجموعه‌ای است از تعالیم عملی که به احتمال زیاد، خطاب به مسیحیان یهودی‌نژادی نوشته شده است که در سرزمینهای اطراف فلسطین پراکنده بودند.

از ویژگیهای برجستهٔ این نامه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) آب و رنگ یهودی؛ (۲) تأکید بر مسیحیت عملی و ایمانی که اصالت خود را در اعمال فرد مؤمن نشان می‌دهد؛ (۳) بازتاب موعظهٔ سر کوه؛ (۴) شباهت به کتاب امثال سلیمان و (۵) نثر یونانی شیوا.

### تقسیمبندی کلی

- ۱ - مقدمه (۱:۱)
- ۲ - ایمان و حکمت (۱:۲-۸)
- ۳ - فقر و ثروت (۱:۹-۱۱)
- ۴ - آزمایش و وسوسه (۱:۱۲-۱۸)
- ۵ - شنیدن و عمل کردن (۱:۱۹-۲۷)
- ۶ - هشدار علیه تبعیض (۲:۱-۱۳)
- ۷ - ایمان و اعمال (۲:۱۴-۲۶)
- ۸ - مسئلهٔ زبان (۳:۱-۱۸)
- ۹ - مسیحی و جهان (۴:۱ تا ۵:۶)
- ۱۰ - تعالیم گوناگون (۵:۷-۲۰)

# نامهٔ یعقوب

از یعقوب، غلامِ خدا و عیسی مسیح خداوند،  
به دوازده قبیله که در جهان پراکنده‌اند.

سلام!

## رشد در بوتهٔ آزمایش

ای برادرانِ من، هر گاه با آزمایشهای گوناگون روبه‌رو می‌شوید، آن را کمال شادی بینگارید! <sup>۳</sup> زیرا می‌دانید گذار ایمان شما از بوتهٔ آزمایشها، پایداری به بار می‌آورد. <sup>۴</sup> اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید. <sup>۵</sup> اگر از شما کسی بی‌بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می‌کند، و به وی عطا خواهد شد. <sup>۶</sup> اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید به خود راه ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می‌شود. <sup>۷</sup> چنین کس نپندارد که از خداوند چیزی خواهد یافت، <sup>۸</sup> زیرا شخصی است دودل و در تمامی رفتار خویش ناپایدار.

<sup>۹</sup> برادرِ حقیر به منزلت والای خود فخر کند، <sup>۱۰</sup> اما ثروتمند به حقارت خود، زیرا همچون گلِ صحرا در گذر است. <sup>۱۱</sup> همان‌گونه که خورشید با گرمای سوزان خود طلوع کرده، علف را می‌خشکاند و گلش فرومی‌ریزد و زیبایی‌اش محو می‌شود، ثروتمند نیز در حین کسب و کار، پژمرده و محو خواهد شد.

<sup>۱۲</sup> خوشبختانه حال آن که در آزمایشها استقامت نشان می‌دهد، زیرا چون از بوتهٔ آزمایش سربلند بیرون آید، تاج حیاتی را خواهد یافت که خدا به دوستداران خویش وعده فرموده است.

<sup>۱۳</sup> آن که وسوسه می‌شود، نگوید: «خداست که مرا وسوسه می‌کند،» زیرا خدا با هیچ بدی وسوسه نمی‌شود، و کسی را نیز وسوسه نمی‌کند. <sup>۱۴</sup> هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. <sup>۱۵</sup> هوای نفس که آبستن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد.

<sup>۱۶</sup> برادران عزیز من، فریفته مشوید! <sup>۱۷</sup> هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست، نازل شده از پدر نورهای آسمان که در او نه تغییری است و نه سایه ناشی از دگرگونی. <sup>۱۸</sup> او چنین اراده فرمود که ما را با کلام حق تولید کند تا همچون نوبر آفریده‌های او باشیم.

## شنیدن و به جای آوردن

<sup>۱۹</sup> برادران عزیز من، توجه کنید: هر کس باید در شنیدن تند باشد، در سخن گفتن کند و در خشم آهسته! <sup>۲۰</sup> زیرا خشم آدمی پارسایی مطلوب خدا را به بار نمی‌آورد. \* <sup>۲۱</sup> پس هرگونه پلیدی و هر فزونی بدخواهی \* را از خود دور کنید و با حلم، کلامی را که در شما نشانده شده و می‌تواند جانهای شما را نجات بخشد، بپذیرید.

<sup>۲۲</sup> به جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید! <sup>۲۳</sup> زیرا هر کس که کلام را می‌شنود اما به آن عمل نمی‌کند، به کسی ماند که در آینه به چهره خود می‌نگرد <sup>۲۴</sup> و خود را در آن می‌بیند، اما تا از برابر آن دور می‌شود، از یاد می‌برد که چگونه سیمایی داشته است. <sup>۲۵</sup> اما آن که به شریعت کامل که شریعت آزادی است چشم دوخته، آن را از نظر دور نمی‌دارد، و شنونده فراموشکار نیست بلکه به جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود.

۲۰:۱ یا: «خشم انسان به عدل الهی نمی‌انجامد».

۲۱:۱ یا: «هز اثری از بدخواهی».

آن<sup>۲۶</sup> که خود را دیندار بداند، اما مهارِ زبان خود را نداشته باشد، خویشتن را می‌فریبد و دیانتش باطل است.<sup>۲۷</sup> دینداریِ پاک و بی‌لکه در نظر پدرِ ما خدا، آن است که یتیمان و بیوه‌زنان را به وقت مصیبت دستگیری کنیم و خود را از آرایش این دنیا دور بداریم.

## پرهیز از تبعیض

۲ برادران من، ایمانِ شما به عیسی مسیح، خداوند پرچاللمان، با تبعیض همراه نباشد.<sup>۲</sup> اگر کسی با انگشتیِ زرین و جامه فاخر به مجلس شما درآید و فقیری نیز با جامهٔ زنده وارد شود،<sup>۳</sup> و شما به آن که جامهٔ فاخر در بر دارد توجه خاص نشان دهید و به او بگویید: «در این جای نیکو بنشین»، اما فقیر را بگویید: «همان جا بایست!» و یا: «اینجا پیش پاهای من بر زمین بنشین»،<sup>۴</sup> آیا در میان خود تبعیض قائل نشده و با اندیشهٔ بد قضاوت نکرده‌اید؟

۵ برادران عزیز، گوش فرادهید! مگر خدا فقیران این جهان را برنگزیده تا در ایمان دولتمند باشند و پادشاهی‌ای را به میراث یابند که او به دوستدارانِ خود وعده فرموده است؟<sup>۶</sup> اما شما به فقیر بی‌حرمتی روا داشته‌اید. آیا دولتمندان نیستند که بر شما ستم روا می‌دارند و شما را به محکمه می‌کشند؟<sup>۷</sup> آیا ایشان نیستند که به آن نام شریف که بر شما نهاده شده، کفر می‌گویند؟

۸ اگر براستی شریعت شاهانه را مطابق با این گفتهٔ کتاب به‌جای آورید که می‌فرماید: «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما»، کارِ نیکو کرده‌اید.<sup>۹</sup> اما اگر تبعیض قائل شوید، گناه کرده‌اید و شریعت، شما را چون افرادی قانون‌شکن، محکوم می‌کند.<sup>۱۰</sup> زیرا اگر کسی تمام شریعت را نگاه دارد اما در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن تمام شریعت است.<sup>۱۱</sup> چه، او که گفت: «زنا مکن»،

همچنین گفته است: «قتل مکن.» پس هر چند زنا نکنی، اما اگر قتل کنی، شریعت را شکسته‌ای.

<sup>۱۲</sup> پس همچون کسانی سخن گویند و عمل کنید که می‌دانند بر پایه شریعت آزادی، بر آنها داوری خواهد شد،<sup>۱۳</sup> زیرا داوری الهی نسبت به آن که رحم نکرده باشد، بی‌رحم خواهد بود. اما رحم بر داوری پیروز خواهد شد!

## ایمان و اعمال

<sup>۱۴</sup> برادران من، چه سود اگر کسی ادعا کند ایمان دارد، اما عمل نداشته باشد؟ آیا چنین ایمانی می‌تواند او را نجات بخشد؟<sup>۱۵</sup> اگر برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک روزانه باشد<sup>۱۶</sup> و کسی از شما بدیشان گوید: «بروید به سلامت، و گرم و سیر شوید»، اما برای رفع نیازهای جسمی ایشان کاری انجام ندهد، چه سود؟<sup>۱۷</sup> پس ایمان به تنهایی و بدون عمل، مرده است.

<sup>۱۸</sup> کسی خواهد گفت: «تو ایمان داری و من اعمال دارم!» ایمانت را بدون اعمال به من بنما و من ایمانم را با اعمالم به تو خواهم نمود.<sup>۱۹</sup> تو ایمان داری که خدا یکی است. نیکو می‌کنی! حتی دیوها نیز این گونه ایمان دارند و از ترس به خود می‌لرزند!

<sup>۲۰</sup> ای نادان، می‌خواهی بدانی چرا ایمان بدون عمل بی‌ثمر است؟<sup>۲۱</sup> مگر اعمال جد ما ابراهیم نبود که پارسایی او را ثابت کرد، آنگاه که پسر خود اسحاق را بر مذبح تقدیم نمود؟<sup>۲۲</sup> می‌بینی که ایمان و اعمال او با هم عمل می‌کردند، و ایمان او با اعمالش کامل شد.<sup>۲۳</sup> و آن نوشته تحقق یافت که می‌گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد»، و او دوست خدا خوانده شد.  
<sup>۲۴</sup> پس می‌بینید با اعمال است که پارسایی انسان ثابت می‌شود، نه با ایمان تنها.

<sup>۲۵</sup> همچنین مگر اعمال راحاب روسپی نبود که پارسایی او را ثابت کرد، آنگاه

که به فرستادگان پناه داد و ایشان را از راهی دیگر روانه کرد؟<sup>۶</sup> بله، همان گونه که بدن بدون روح مرده است، ایمان نیز بدون عمل مرده است.

## بلای زبان

**۳** برادران من، مباد که بسیاری از شما در پی معلّم شدن باشند، زیرا می دانید که بر ما معلّمان، داوری سخت تر خواهد شد.<sup>۲</sup> ما همه بسیار می لغزیم. اگر کسی در گفتار خود نلغزد، انسانی کامل است و می تواند تمامی وجود<sup>\*</sup> خود را مهار کند.

<sup>۳</sup> ما با لگام نهادن بر دهان اسب، آن را مطیع خود می سازیم و بدین وسیله می توانیم تمامی بدن حیوان را به هر سو هدایت کنیم.<sup>۴</sup> همچنین سُکّانی کوچک می تواند کشتی بزرگی را که فقط بادهای نیرومند آن را به حرکت درمی آورد، به هر سمتی که ناخدا بخواهد هدایت کند.<sup>۵</sup> به همین سان، زبان نیز عضوی کوچک است، اما ادعاهای بزرگ دارد. جرقه ای کوچک می تواند جنگلی بزرگ را به آتش کشد.<sup>۶</sup> زبان نیز آتش است؛ دنیایی است از شرارت در میان اعضای بدن ما که همه وجود انسان را آلوده می کند و تمام زندگی او را به آتش می کشد - آتشی که جهنم آن را فروخته است!

<sup>۷</sup> انسان همه گونه حیوان و پرنده و خزنده و جاندار دریایی را رام می کند و کرده است،<sup>۸</sup> اما هیچ انسانی قادر به رام کردن زبان نیست. زبان شرارتی است سرکش و پر از زهر کشنده!

<sup>۹</sup> با زبان خود خداوند و پدر را متبارک می خوانیم و با همان زبان انسانهایی را که به شباهت خدا آفریده شده اند، لعن می کنیم.<sup>۱۰</sup> از یک دهان، هم ستایش بیرون می آید، هم نفرین! ای برادران من، شایسته نیست چنین باشد.<sup>۱۱</sup> آیا می شود از چشمه ای هم آب شیرین روان باشد، هم آب شور؟<sup>۱۲</sup> برادران من، آیا ممکن

است درخت انجیر، زیتون بار آوَرَد؟ یا درخت مو، انجیر بَرَدهد؟ به همین سان نیز چشمه شور نمی تواند آب شیرین روان سازد.

## دو گونه حکمت

<sup>۱۳</sup> کیست حکیم و خردمند در میان شما؟ بگذارید آن را با شیوه زندگی پسندیده خود نشان دهد، با اعمالی توأم با حلم که از حکمت برمی خیزد. <sup>۱۴</sup> اما اگر در دل خود حسد تلخ و جاه طلبی دارید، به خود مبالید و خلاف حقیقت سخن مگویید. <sup>۱۵</sup> چنین حکمتی از بالا نازل نمی شود، بلکه زمینی و نفسانی و شیطانی است. <sup>۱۶</sup> زیرا هر جا حسد و جاه طلبی باشد، در آنجا آشوب و هرگونه کردار زشت نیز خواهد بود.

<sup>۱۷</sup> اما آن حکمت که از بالاست، نخست پاک است، سپس صلح آمیز و ملایم و نصیحت پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض و ریا! <sup>۱۸</sup> پارسایی، محصولی است که در صلح و صفا، و به دست صلحجویان کاشته می شود.

## تسلیم خداوند باشید

**۴** از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می آید؟ آیا نه از امیالتان که در اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ <sup>۲</sup> حسرت چیزی را می خورید، اما آن را به کف نمی آرید. از طمع مرتکب قتل می شوید، اما باز به آنچه می خواهید نمی رسید. جنگ و جدال بر پا می کنید، اما به دست نمی آورید، از آن رو که درخواست نمی کنید! <sup>۳</sup> \* آنگاه نیز که درخواست می کنید، نمی یابید، زیرا با تبت بد درخواست می کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید.

۲:۴ یا: «حسرت چیزی را می خورید و آن را به کف نمی آرید؛ پس مرتکب قتل می شوید. طمع می ورزید اما به آنچه می خواهید نمی رسید؛ پس جنگ و جدال بر پا می کنید. و از آن رو ندارید که درخواست نمی کنید.»

۴ ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد. ۵ آیا گمان می‌برید کتاب بیهوده گفته است: «روحی که خدا در ما\* ساکن کرده، تا به حد حسادت مشتاق ماست؟» ۶ اما فیضی که او می‌بخشد، بس فروتر است. از همین رو کتاب می‌گوید:

«خدا در برابر متکبران می‌ایستد،

اما فروتنان را فیض می‌بخشد.»

۷ پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت. ۸ به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید، و ای دودلان، دل‌های خود را طاهر سازید. ۹ به حال زار بیفتید و ندبه و زاری کنید. خنده شما به ماتم، و شادی شما به اندوه بدل گردد. ۱۰ در حضور خدا فروتن شوید تا شما را سرفراز کند.

۱۱ ای برادران، از یکدیگر بدگویی مکنید. هر که از برادر خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است. و هرگاه شریعت را محکوم کنی، دیگر نه مجری، بلکه داور آن هستی! ۱۲ اما تنها یک قانونگذار و داور هست، همان که قادر است برهاند یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایه خود را محکوم کنی!

## فخر نادرست به فردا

۱۳ و اما شما که می‌گویید: «امروز یا فردا به این شهر یا آن شهر خواهیم رفت و سالی را در آنجا به سر خواهیم برد و به تجارت خواهیم پرداخت و سود فراوان

۵:۴ یا: «در میان ما».

۵:۴ یا: «خدا نسبت به روحی که در ما ساکن کرده غیرت بسیار دارد».

۶:۴ ۶:۳ امثال ۳۴:۳.



خواهیم کرد»، خوب گوش فرادهید: <sup>۱۴</sup> شما حتی نمی دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ همچون بُخاری هستید که کوتاه زمانی ظاهر می شود و بعد ناپدید می گردد. <sup>۱۵</sup> پس باید چنین بگویید: «اگر خداوند بخواهد، زنده می مانیم و چنین و چنان می کنیم.» <sup>۱۶</sup> حال آنکه شما با تکبر فخر می کنید. هر فخری از این گونه، بد است! <sup>۱۷</sup> بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است.

### هشدار به ثروتمندان ظالم

۵ و اما شما ای ثروتمندان، زاری و شیون کنید، زیرا تیره روزی در انتظارتان است. <sup>۲</sup> ثروت شما تباه شده و جامه هایتان را بید خورده است! <sup>۳</sup> زر و سیم شما زنگ زده، و زنگ آنها علیه شما سخن خواهد گفت و همچون آتش، گوشت بدن شما را خواهد خورد. زیرا در روزهای آخر ثروت اندوخته اید! <sup>۴</sup> اینک مزد کارگرانی که در مزارع شما درو کرده اند، و شما حيله گرانه از پرداخت آن سر باز زده اید، بر ضد شما فریاد برمی آورد. بله، فریاد دروگران به گوش خداوند قادر متعال رسیده است. <sup>۵</sup> شما بر زمین در تجمل و هوسرانی زندگی کرده اید، و خود را برای روز کشتار پروار ساخته اید! <sup>۶</sup> مرد پارسا را که با شما مخالفتی نمی ورزید،\* محکوم کردید و به قتل رسانیدید.

### صبر و بردباری در زمان مصیبت

<sup>۷</sup> پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر پیشه کنید. بنگرید چگونه دهقان انتظار می کشد تا زمین محصول پرارزش خود را به بار آورد؛ چگونه صبر می کند تا بارانهای پاییزی و بهاری بر زمین بیارد. <sup>۸</sup> پس شما نیز صبور باشید و دل قوی

۳:۵ یا: «زیرا این است ثروتی که برای روزهای آخر اندوخته اید.»

۵:۵ یا: «خود را در روز عید پروار ساخته اید.»

۶:۵ یا «مخالفتی نمی ورزد.»

دارید، زیرا آمدنِ خداوند ما نزدیک است!<sup>۹</sup> برادران، از یکدیگر شکایت نکنید، تا بر شما نیز داوری نشود، زیرا «داور» بر در ایستاده است.

<sup>۱۰</sup> برادران، از پیامبرانی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، درسِ صبر در مصائب را فراگیرید. <sup>۱۱</sup> ما بردباران را خجسته می‌خوانیم. شما دربارهٔ صبر\* ایوب شنیده‌اید، و می‌دانید که خداوند سرانجام با او چه کرد، زیرا خداوند به غایت مهربان و رحیم است.

<sup>۱۲</sup> اما مهمتر از همه، ای برادران من، سوگند مخورید؛ نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر. بگذارید «بله» شما همان بله باشد و «نه» شما همان نه، مبدا محکوم شوید.

## دعای با ایمان

<sup>۱۳</sup> اگر کسی از شما در مشکل است، دعا کند؛ اگر کسی شاد است، سرود حمد بخواند. <sup>۱۴</sup> اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فراخواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند. <sup>۱۵</sup> دعای با ایمان، بیمار را شفا می‌بخشد و خداوند او را برمی‌خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می‌شود. <sup>۱۶</sup> پس نزد یکدیگر به گناهانِ خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای مرد پارسا، قدرت دارد و بسیار اثربخش است.

<sup>۱۷</sup> الیاس انسانی بود همچون ما، اما چون با تمام وجود دعا کرد که باران نبارد، سه سال و نیم باران بر زمین نبارید؛ <sup>۱۸</sup> و باز دعا کرد و از آسمان باران بارید و زمین محصول به بار آورد.

<sup>۱۹</sup> برادرانِ من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود، و دیگری او را بازگرداند، <sup>۲۰</sup> بدانید که هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگرداند، جانِ او را از مرگ نجات خواهد بخشید و گناهانِ بی‌شماری را خواهد پوشانید.